

در سرای اهل قلم کودک و نوجوان چه گذشت؟

ادبیات کودک در گذر از
بیست و سومین نمایشگاه کتاب تهران (۱)

فرزاد کفیلی

امسال (۱۳۸۹) انجام عملیات عمرانی در مصلی، فضای زیادی را از برگزارکنندگان نمایشگاه کتاب تهران گرفته بود؛ فضاهایی که مسئولان را مجبور کرد بخش کودک و نوجوان را در کنار ناشران دانشگاهی و آموزشی در چادرهای برگزار کنند.

با وجود کمبود فضا، زیرزمین شبستان همچون سال گذشته میزبان سرای اهل قلم کودک و نوجوان بود تا نویسندگان و کارشناسان زیادی چه برای سخنرانی و چه برای نشست پای صحبت اهالی کتاب، گذرشان به این جا بیفتد؛ سرایی ۱۵ پله زیر شبستان با مسئولیت جواد محقق.

محقق در ۱۱ روز برگزاری نمایشگاه، ۳۷ نشست ادبی برنامه‌ریزی کرده بود؛ نشست‌هایی که تعدادی از آن‌ها به دلیل بدقولی مهمانان برگزار نشد و یا زمانش تغییر کرد.

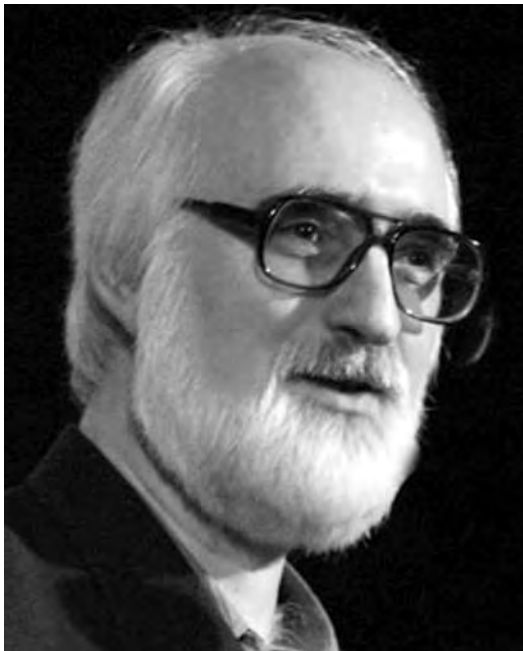
سرای اهل قلم کودک و نوجوان نمایشگاه کتاب تهران در روزهای عادی نمایشگاه هر روز میزبان سه نشست بود که تعداد نشست‌ها در روزهای پنجشنبه و جمعه به چهار نشست افزایش می‌یافت.

نشست‌های صبح سرا با عنوان «یک نویسنده، یک کتاب» به بررسی کتاب‌هایی اختصاص یافته بود که سال گذشته موفق به دریافت جوایزی چون کتاب فصل و کتاب سال یا گام اول شده بودند؛ ویژگی اصلی این نشست‌ها حضور کودکان و نوجوانانی بود که بیش‌تر این کتاب‌ها را خوانده بودند.

گپ و گفت‌های روزنامه‌نگارانه با نویسندگان حاضر در این نشست‌ها نشان می‌داد آن‌ها ازین که پای صحبت مخاطبان اصلی آثارشان می‌نشینند راضی هستند.

نشست‌های ظهر و عصر تخصصی‌تر پیش می‌رفت که گاه برای یک سخنران و گاه برای حضور چندین کارشناس طراحی شده بود.

مصطفی رحماندوست، سید اکبر میرجعفری، سید علی کاشفی و هادی خورشاهیان از جمله شاعرانی بودند که راه‌شان بیش‌تر به سرای اهل قلم کودک و نوجوان افتاد. مهدی کاموس، حمیدرضا شاه‌آبادی، بیوک ملکی، علیرضا کمره‌ای، مجید عمیق، علیرضا کرمانی، محسن هجری، محمدرضا شمس هم دیگر اهالی کتاب کودک بودند که موضوعات مختلفی را در حوزه‌ی ادبیات کودک و نوجوان به چالش کشیدند.



جواد محقق

اهمیت مطالعات اعتقادی در کنار مطالعات شغلی و ذوقی

«نیازهای مطالعاتی» از نخستین نشست‌های سرای اهل قلم کودک و نوجوان بود که در اولین روز نمایشگاه با سخنرانی جواد محقق برگزار شد. محقق در این نشست به طرح و توضیح انواع مطالعه پرداخت و در همان ابتدای نشست تأکید کرد که: «از آن‌جا که انتخاب‌ها را اعتقادات مان می‌سازند، اهمیت مطالعات اعتقادی در کنار مطالعات شغلی و ذوقی از اهمیت بالایی برخوردار است.» او گفت: «والدینی می‌تواند انتظار داشته باشند فرزندانشان کتابخوان شوند که خودشان به مطالعه اهمیت دهند.» محقق نیازهای مطالعاتی کودکان و نوجوانان را به سه دسته اصلی مطالعات اعتقادی، مطالعات شغلی و مطالعات ذوقی تقسیم کرد و یادآور شد: «نخستین نوع مطالعه که همه‌ی ما از کودکی به آن نیازمندیم، مطالعات اعتقادی‌اند. همه‌ی ما فارغ از این که چه ایمان و آرمان و اعتقاداتی داریم، در همه‌ی دوران زندگی نیازمند مطالعات اعتقادی هستیم. زیرا انتخاب‌های ما براساس اعتقادات مان شکل می‌گیرند. اگر این اعتقادات تقویت نشوند، می‌توانند در زندگی آتی افراد، مشکلاتی ایجاد کنند. آگاهی‌های ما سلامت این انتخاب‌ها را تضمین می‌کنند.» وی سپس به توضیح مطالعات شغلی و آن‌گاه مطالعات ذوقی پرداخت و به تداوم و هم‌عرض بودن این مطالعات تأکید کرد.

تئاتر، محلی برای آموزش غیر مستقیم مفاهیم تربیتی

سرای اهل قلم کودک و نوجوان فقط جایگاه نظر ورزی در حوزه‌ی ادبیات کودک و نوجوان نبود. تئاتر و حوزه‌های مرتبط با کودکان نیز در نشست‌هایی مورد بحث و گفت‌وگوی کارشناسان قرار گرفت که از جمله‌ی آن نشست‌ها بود که ۱۶ اردیبهشت با عنوان «تئاتر کودک و نوجوان در ایران» با حضور داوود کیانیان و محمد برومند دو نمایشنامه‌نویس برگزار شد.

داوود کیانیان معتقد بود بها دادن به تئاتر کودک و نوجوان از سوی آموزش و پرورش از مهم‌ترین کارهایی است که باید مورد توجه قرار بگیرد. او گفت: «یکی از فعالیت‌هایی که در مدارس انجام می‌شود «نمایش خلاق» در دوره پیش‌دبستانی است. نمایش خلاق بیش از یک دهه است که فعال شده اما این اواخر زیاد جدی گرفته نمی‌شود» به گفته کیانیان مربیانی که قرار است نمایش خلاق برای کودکان و نوجوانان داشته باشند، دوره‌های آموزش تخصصی آن را نمی‌بینند و به تدریج این نمایش‌ها کمرنگ می‌شوند. این نویسنده و پیشکسوت تئاتر در این نشست افزود: «نمایش‌های کلاسی از دیگر بخش‌های نمایشی است که از اول تا پنجم ابتدایی در کتاب‌های درسی گنجانده شده‌اند و پس از هر درس به دانش آموز و معلم می‌گویند این درس را به صورت نمایش اجرا کنند، که باعث درک مفاهیم درس و آشنایی با ادبیات و تئاتر می‌شود. اما به دلیل این که معلمان با تئاتر آشنا نیستند، این نمایش‌ها اجرا نمی‌شود یا درست انجام نمی‌شود و درست انجام نشدن آن نیز اثر عکس دارد.» محمد برومند هم که دل پری از تئاتر در مدارس ایران داشت، گفت: «همیشه تئاتر مدارس بنا بر سلیقه مسوولان تغییر کرده است. همچنین در جشنواره‌های تئاتر کودک و نوجوان گروه‌های مدارس راهنمایی را محدود کرده‌اند و تنها گروه‌های دبیرستانی اجازه شرکت در

مسابقات کشوری را دارند در صورتی که بر اساس آمار گروه‌های راهنمایی از گروه‌های دبستانی و دبیرستانی فعال‌ترند.» وی با بیان این که این شرایط کنونی نشان از ضعف برنامه‌ریزی در این زمینه را دارند، افزود: «تاکنون فعالیت‌هایی که در حوزه تئاتر صورت گرفته مقطعی و حاصل فعالیت مدیران در زمانی خاص بوده‌اند. اگر بخواهیم همه عوامل تئاتر را خود کودکان و نوجوانان انجام دهند نیاز است ابتدا به آنها آموزش‌های مدونی داده شود و آموزش و پرورش به طور مستمر آن را پیگیری کند.»

شعر طنز نوجوان به موجودیت نرسیده است

عصر آدینه (۱۷ اردیبهشت) قرار بود عباس ترین شاعر و طنزنویس حوزه نوجوان به همراه هادی خورشاهیان به بررسی



هادی خورشاهیان

«شعر طنز برای کودک و نوجوان» بیردازند اما ترین به نشست نرسید و نشست با حضور فاضل ترکمان و هادی خورشاهیان برپا شد؛ نشستی که دو کارشناس و شاعر حاضر در نشست نتیجه گرفتند که شعر طنز نوجوان با وجود ظرفیت‌های فراوان هنوز به موجودیت نرسیده است.

خورشاهیان در این نشست گفت: «در مجموع شاید فقط ۴ یا ۵ کتاب با عنوان شعر طنز نوجوان به بازار کتاب آمده که تنها نیمی از آن‌ها صرفاً مخاطب نوجوان را هدف قرار داده است.»

او افزود: «هیچ‌گاه به شعرهای طنزی که در مجلات با سابقه‌ای چون گل‌آقا چاپ می‌شد، نمی‌توان عنوان شعر طنز نوجوان داد و در واقع ما داریم این نشست عملاً درباره‌ی چیزی گفت و گو می‌کنیم که هنوز به‌طور جدی شکل نگرفته است.» خورشاهیان در ادامه‌ی این نشست، شعرهایی از مجموعه «ایستگاه لاغری» سروده عباس ترین را با این باور که این شعرها ویژه‌ی نوجوانان نیستند، خواند. فاضل ترکمان، شاعر و طنز پرداز جوان کشورمان هم در این نشست به کتاب‌هایی چون «ایستگاه لاغری»، «خنده به شرط قلقلک» و «یک بستنی و پنج زبان» اشاره کرد و گفت: «این مجموعه‌ها، شعر طنز برای نوجوانانند و با این نظر که شعرهای عباس ترین در کتاب «ایستگاه لاغری» ویژه‌ی نوجوان نیستند مخالفم، زیرا اصولاً فضاهایی که شعرهای این مجموعه در آن‌ها اتفاق می‌افتند فضاهای دانش‌آموزی و نوجوانانه‌اند.» در ادامه‌ی این نشست ترکمان با اذعان بر اینکه شعر طنز برای کودکان و نوجوانان در کشور جا نیفتاده، اظهار داشت: «کودکان و نوجوانان طنز را دوست دارند اما برای پا گرفتن هر گونه‌ی ادبی، باید تجربه و فعالیت مستمر در آن صورت گیرد. به‌طور مثال اگر

فیلم ترسناک در ایران ساخته می‌شود اما مخاطبان بیشتر از آنکه بترسند می‌خندند، نشان می‌دهد باید در این گونه بیشتر کار تولید شود.»

کودک امروز به چالش کشیدن را حق خود می‌داند

«ویژگی‌های مخاطب امروز ادبیات کودک و نوجوان» از شاخص‌ترین نشست‌هایی بود که در ایام برگزاری نمایشگاه کتاب سرای اهل قلم کودک و نوجوان میزبان آن بود. محسن هجری نویسنده و مترجم ادبیات کودک و نوجوان همچون سخنرانی‌های دیگر در این نشست نیز به ویژگی‌ها و تفاوت کودکان امروز با کودکان نسل‌های قبل اشاره کرد. او گفت: «کودک شهری امروز حرف‌های بسیاری برای گفتن دارد و دیگر مرعوب بزرگ‌ترها نیست. مخاطب امروز ادبیات داستانی کودک برخلاف چهاردهه گذشته، احساس هویت می‌کند و به چالش کشیدن را حق خود می‌داند. متأسفانه این دگرگونی‌ها را در جامعه مخاطبان کودک و نوجوان به‌خوبی درک نکرده‌ایم.»

وی با اشاره به نبود آمار صحیح درباره‌ی اقبال کودکان و نوجوانان به کتاب، اظهار داشت: «تاکنون کار میدانی برای آمارگیری از میزان استقبال آثار کودک و نوجوان انجام نشده است و به عنوان نویسنده‌ی این حوزه نمی‌توانم از بازخورد مخاطبان آثارم و همچنین نتایج احتمالی آنها مطلع شوم. ناشران کودک و نوجوان و مخاطبان آنها دو خط موازی‌اند و باید دریافت که این دو خط در چه نقطه‌ای به هم می‌رسند و این نقطه اساساً کجاست.» هجری که در حوزه‌ی نظری فعالیت‌های چشم‌گیری داشته است، افزود: «آمار چاپ کتاب‌ها و توزیع آنها نمی‌تواند معیار خوبی برای استقبال مخاطبان به شمار آید. ما اکنون در جایگاهی نیستیم که بتوانیم ادعای متحول کردن مخاطبان مان را در حوزه‌ی کودک و نوجوان داشته باشیم. در صورت بروز چنین شرایطی است که این قشر به شیوه‌ی دیگری عمل کرده و به آثار ترجمه‌ای، متن‌های اینترنتی و کتاب‌های خارج از گروه سنی خود گرایش پیدا می‌کنند.» منوچهر اکبرلو دیگر سخنران این نشست هم به آرای «پیازه» در باب تفاوت‌های موجود میان کودکان و نوجوانان اشاره کرد و گفت: «این روان‌شناس فرانسوی معتقد است کودکان تا سن هفت سالگی در مرحله‌ی پیش‌عملیاتی رشداند و قادر به درک مطالب تجریدی نیستند. بنابراین نویسندگان این حوزه نباید از مفاهیم استعاری و نمادها در آثارشان استفاده کنند.» اکبرلو افزود: «به اعتقاد پیازه کودکان از هفت تا دوازده سالگی در مرحله‌ی قرار دارند که قادر به تفکر منطقی و درک روابط علت و معلولی‌اند. معتقدم که این مراحل در تمام کودکان وجود دارد. بنابراین اگر در حوزه‌ی ادبیات دینی برای کودکان قلم می‌زنیم و قصه‌هایی درباره‌ی امور متافیزیک نظیر خدا و معجزه مطرح می‌کنیم، باید بر اساس نظر پیازه از مصداق‌های عینی برای کودکان مثال زد.»

شعر، نمود ادبیات ماست؛ باید اصول آن رعایت شود

مصطفی رحماندوست در نشستی که با عنوان «آسیب‌شناسی شعر کودک و نوجوان» عصر ۱۷ اردیبهشت برگزار شد، گفت: «با گشت و گذار در نمایشگاه کتاب، درمی‌یابیم که مسوولان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی باید به حوزه‌ی شعر کودک و نوجوان بیش از این اهمیت دهند؛ این شعرها نمود ادبیات ما پس از ۳۰ سال است و اگر در آن دقت نشود، کودکان ما را بسیار بدسلیقه بار می‌آورد.» رحماندوست در این نشست با اشاره به این که مسوولان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در حوزه‌ی شعر باید بیشتر کار کنند و در اجرای برنامه‌هایی که تاکنون نوشته شده، دقت بیشتری داشته باشند گفت: «به جای این که شعر کودک و نوجوان را نقد و بررسی کنیم، باید دید در حوزه‌ی کودک و نوجوان چه کتاب‌هایی منتشر می‌شوند. در آیین‌نامه‌ای که در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برای کتاب نوشته، زبان محاوره برای کتاب‌های تربیتی پیش از دبستان است اما سایر کتاب‌های کودک و نوجوان باید از ادبیات معیار برخوردار باشند. اما می‌بینیم داستان و کلمات برخی از کتاب‌هایی که با زبان محاوره نوشته شده‌اند ویژه گروه پیش از دبستان نیست.» انتقادهای این شاعر به همین‌جا ختم نشد. او گفت: «زمانی به بچه‌ها می‌گوییم شعر بخوانند همه «به توپ دارم قفلیه» و «عروسک قشنگ من» را می‌خوانند، یعنی ترانه‌ها و شعرهای جدید به قدری ضعیف‌اند که در ذهن بچه‌ها باقی نمی‌مانند و کودکان ما شعرهای زمان پدران و مادرانشان را می‌خوانند. البته شعرهایی که قالب آموزشی دارند می‌توانند با زبان محاوره باشند اما ترانه‌ها باید ادبیات درستی داشته باشند.» جعفر ابراهیمی (شاهد) هم که به این نشست دعوت شده بود، با بیان این که اکنون اکثر جوانان با زبان محاوره شعر می‌گویند گفت: «این شیوه، تقریباً شبیه به یک سبک جدید شده است، این شعرها بسیار نگران‌کننده‌اند و به شعر و ادبیات ما آسیب می‌رسانند.» وی با تأکید بر این که شعرهای نوشتاری با زبان شعرهای شفاهی نوشته می‌شوند و در میان نوجوانان بسیار رایج شده‌اند، عنوان کرد: «شعرهای ما آسیبی ندارند، بلکه این مسایل نوین است که به شعر ما آسیب می‌رساند. مشکل این‌جاست که وقتی پهلوانان‌ها خوابند، پهلوانان پنبه‌ای به میدان می‌آیند، وقتی شاعران خوب ما کم کار می‌کنند چنین کتاب‌های ضعیفی بازار را اشباع می‌کنند.»

ترجمه، آمیخته با هنر

اسمال مجید عمیق که اهالی قلم بیشتر او را با ترجمه‌هایش در حوزه‌ی کتاب‌های علمی می‌شناسند نیز به سرای اهل قلم کودک و نوجوان آمد.

این مترجم پرکار در نشست که با عنوان «وضعیت ترجمه کتاب‌های کودک و نوجوان»، ۱۹ اردیبهشت برگزار شد، ترجمه را اینگونه تعریف کرد: «ترجمه یعنی دریافت معنا از میدا و بازسازی آن در مقصد. ترجمه آمیخته با هنر است و گاهی می‌تواند مانند یک سیانور در رگ‌های ما نفوذ کند و مرگ ما را رقم بزند یا مفید و سودمند باشد. از این روی مترجم باید در انتخاب یک متن وسواس داشته باشد.»

او افزود: «هنگامی که کودک و نوجوانی بتواند با کتاب‌های ترجمه ارتباط برقرار کند، این ضعف مترجمان کشور را نمایان می‌کند برخی از مترجمان دست به ترجمه می‌زنند ولی بویی از دانش ترجمه نبرده‌اند، هر علمی دانش خود را می‌طلبد؛ مثلاً اگر کتاب‌های مذهبی ترجمه می‌کنیم، باید واژگانمان رنگ و بوی مذهبی داشته باشد.» حسین فتاحی، نویسنده‌ی کتاب‌های کودک و نوجوان به عنوان دیگر سخنران این نشست به تأثیر ترجمه کتاب‌های کودک و نوجوان بر این قشر حساس اشاره کرد و گفت: «مترجمی که می‌خواهد کتاب را برای کودکان و نوجوانان ترجمه کند، باید در درجه نخست مخاطب خود را بشناسد. مترجم با یک گروه سنی خاصی برخورد ندارد بلکه با یک طیف مخاطب مواجه است. هنگامی که جسم یک خردسال حساس است و با بادی سرما می‌خورد، روحیه‌ی او نیز حساس است، یک مترجم و ناشر باید این موارد را در نظر بگیرند و بدانند که با یک کودک خردسال حساس روبه‌رویند. انتقال نکته آموزشی به یک کودک خردسال به مراتب سخت‌تر است. این مسأله مخصوص ایران یا جوامع مذهبی نیست بلکه به همه‌ی جوامع تعلق دارد. در همه‌ی دنیا مواردی که به دنیای کودک مرتبط نیست ممنوع محسوب می‌شود.» این نویسنده که بر خلاف بسیاری از نویسندگان کودک و نوجوان موضعی نرم‌تر نسبت به ترجمه دارد، اضافه کرد: «ترجمه جدا از ادبیات کودک و نوجوان نیست و ما نمی‌توانیم جایگاه ادبیات کودک و نوجوان را نادیده بگیریم. جایگاه ادبیات کودک ما چیست و کجاست؟ ادبیات کودک یک ژانر کم سن و سالی است و در جهان بیش از ۱۰۰ تا ۱۵۰ سال سابقه ندارد. در ایران نیز سابقه‌ی جدی آن کمتر از ۵۰ سال است.

مجید عمیق



کتاب‌ماه کودک و نوجوان
تیر ۱۳۸۹

۱۵۰

در گذشته، نخستین نوشته‌های مخصوص کودکان بیشتر در قالب کتاب و نشریات مانند کیهان بچه‌ها و مجله‌ی دختران و پسران بود که به دهه‌ی ۱۳۳۰ برمی‌گردد. اگر نخستین شماره‌ی کیهان بچه‌ها را ورق بزنید از ترجمه‌های ضعیف انباشته شده و مملو از افسانه‌های خارجی بوده که با فرهنگ ایرانیان هم سو نبود. استفاده از قصه‌هایی مانند تن تن و خلبان بی باک، باعث می‌شد که کودکان ایرانی با فضای روحی کودکان آمریکایی بار بیابند. این کتاب‌ها بیشتر ماجراجویی‌هایی را دربرداشتند که در برخی مواقع خشن بودند و می‌توانستند در روحیات کودکان اثر نامطلوب داشته باشند.»

ملکی شاعر تصویرها

«بیا بگیر سبب را» از آخرین آثار بیوک ملکی شاعر کودکان و نوجوانان است که چندی پیش نیز به موفق به دریافت جایزه‌ی تشویقی کتاب سال شد. این مجموعه شعر از جمله کتاب‌هایی بود که در نشست‌های «یک نویسنده، یک کتاب» با حضور نوجوانانی که از پیش این کتاب را خوانده بودند مورد نقد و بررسی قرار گرفت.

در این نشست شکوه قاسم نیا و بابک نیک طلب دو همکار ملکی هم حضور داشتند.

ملکی در این نشست به نوجوانان توصیه کرد زبان شعر امروز را فرا بگیرند و به مطالعه شعرهای کلاسیک اکتفا نکنند. او گفت: «اکثر شعرهای مجموعه «بیا بگیر سبب را» را در قالب نیمایی سروده ام اما همواره معتقدم شاعران برای اینکه بتوانند مفاهیم مختلف را بیان کنند، نیاز به شناخت قالب‌های مختلف دارند تا متناسب با مفاهیم از آن‌ها استفاده کنند.» اکثر نوجوانان حاضر در این نشست از شعرهای مجموعه راضی بودند اما انتقادهایی نیز به تصویرگری و قطع این کتاب وارد می‌دانستند. شکوه قاسم‌نیا هم به نامناسب بودن تصاویر این مجموعه اذعان کرد و گفت: «تصویرگر کتاب تلاش داشته نوآوری کند اما



شکوه قاسم نیا

تصاویر بی روح اند و با روح شاعرانه اشعار تناسبی ندارند.» قاسم‌نیا با بیان اینکه محاسن این مجموعه در برابر معایب آن بسیار بیشترند، افزود: «شعرها آقای ملکی از نظر قالب و ساختار شعری بی عیب اند و حس شاعرانگی آن‌ها هم نمره‌ی قبولی می‌گیرد؛ با این وجود، معتقدم شعرهای مجموعه بیا بگیر سبب را یکدست نیستند و مخاطبان آن‌ها هم متغیرند.» بابک نیک‌طلب نیز در این نشست به موفقیت مجموعه شعر «بیا بگیر سبب را» اشاره کرد و افزود: «کوتاه بودن اشعار این مجموعه از ویژگی‌ها مهم آن است. اکثر شعرهای این مجموعه در قطع کوتاه سروده شده اما در عین کوتاهی هیچ نوع شکستگی وزنی در کارها دیده نمی‌شود که این یک موفقیت است.»

«گرگ‌ها از برف نمی‌ترسند»

«گرگ‌ها از برف نمی‌ترسند» اثر موفق محمدرضا بایرامی دیگر اثر شاخصی بود که در نشست‌های «یک نویسنده، یک کتاب» سرای اهل قلم کودک و نوجوان بررسی شد.

نوجوانانی که ۲۱ اردیبهشت به سرای اهل قلم کودک و نوجوان آمده بودند، از زبان بایرامی سخنان احساسی زیادی شنیدند: این نویسنده به مخاطبان کتابش گفت: «واقعیت این است که با تمام وجود این اثر را نوشتم چرا که شخصیت‌های داستان برایم ملموس بودند.» او افزود: «اگرچه داستان گرگ‌ها از برف نمی‌ترسند واقعی نیست اما در نگارش آن از خاطرات کسانی که از نزدیک در زلزله‌ها حضور داشتند، استفاده کرده‌ام.» بایرامی در این نشست با سؤال‌های ریز و درشت نوجوانان روبرو شد و در پاسخ به یکی از آن‌ها که درباره‌ی زبان استفاده شده در نگارش اثر سؤال کرد، گفت: «همیشه از زبان ساده برای نگارش داستان استفاده می‌کنم و اصرار به استفاده از زبان روان دارم؛ این اصرار تنها برای نگارش کتاب برای نوجوانان نیست و حتی زمانی که داستان بزرگسال می‌نویسم هم به استفاده از این زبان اعتقاد خاصی دارم.» یکی دیگر از نوجوانان حاضر در نشست نیز به دو خط بودن اثر اشاره کرد که بایرامی در این باره گفت: «در این رمان تأکید خاصی بر سرنوشت و تقدیر الهی دارم و با استفاده از دو خط روشن و تیره تلاش داشتم به نوعی آینده را پیش بکشم.» سید علی کاشفی خوانساری، منتقد حاضر در این نشست هم با بیان اینکه داستان‌های بایرامی از حدود ۲۰ سال پیش در کشور منتشر می‌شوند، افزود: «با وجود تعدد کارهای خوب آقای بایرامی، معتقدم موفق‌ترین آثار این نویسنده آثاری اند که در فضاهای بومی و روستایی می‌گذرند.» وی تصریح کرد: «بایرامی حداقل چهار کتاب مهم دارد که با استفاده از عناصر بومی و روستایی ایران شکل گرفته و با وجود اینکه گرگ‌ها از برف نمی‌ترسند موفق به دریافت جایزه کتاب سال شد، اما معتقدم آثار دیگر بایرامی قوی‌ترند. او افزود: «ما

داستان نویسنده خوب زیاد داریم اما کسانی که چون بایرامی بتوانند شخصیت‌هایی خلق کنند که در چند اثر از آن‌ها استفاده شود، کم‌اند و می‌توان گفت شخصیت‌سازی از ویژگی‌های مهم محمدرضا بایرامی است.» کاشفی خوانساری در این نشست اضافه کرد: «معتقدم حجم این اثر می‌توانست کمتر باشد و شاید مشاوره‌های خوبی درباره این اثر به ویژه برای طرح روی جلد آن به بایرامی داده نشده است.»

توسعه‌ی نظارت بر ادبیات کودکان از طریق انجمن‌ها و تشکلهای غیر دولتی

علیرضا کرمانی پژوهشگر حوزه ادبیات کودک و نوجوان در نشستی که ۲۲ اردیبهشت با عنوان «رویکردهای انتقادی به ادبیات کودک» برگزار شد، توسعه نظارت بر تالیفات ادبی کودک توسط انجمن‌ها و تشکلهای غیر دولتی را خواستار شد. او در این نشست که تنها سخنران آن بود، گفت: نظارت بر ادبیات کودک توسط انجمن‌ها یا تشکلهای غیر دولتی امکان اشتباهات را کمتر می‌کند و کنترل بیشتری بر آن صورت می‌گیرد. او در این نشست به رویکردهای جامعه‌شناسی کودک نیز اشاره‌ی کاملی داشت و عنوان کرد: «از منظر جهان خارج از متن، ادبیات کودک، وسیله‌ای برای انتقال به مرحله بزرگسالی است، هدف آن، انتقال ارزش‌های دوره‌ی بزرگسالی به کودکان شناخته می‌شود، اما جامعه‌شناختی جدید از منظر نقد به این نگاه، رشد می‌کند. از نظر آن، کودکان یک هدف و کودکی فی‌نفسه یک ارزش است. این منظر معتقد به عاملیت و حقوق شهروندی برای کودکان است، چرا که جامعه‌شناسی جدید اعتقاد دارد که کودکان هم چیزی به فرهنگ جامعه می‌افزایند. کودکان هم تأثیر می‌پذیرند، هم فرهنگ جامعه را متأثر می‌سازند. او در صحبت‌هایش با اشاره به شکل کنونی نظارت بر کتاب‌های کودک گفت: «نظارت به شکل کنونی یعنی سانسور، تأثیرات منفی بر ادبیات کودکان می‌گذارد، معتقدم ممیزی به طریق دولتی نمی‌تواند چندان کارساز باشد، بلکه در انجام این رسالت باید انجمن‌ها و تشکلهای همکاری کنند.»

ترجمه؛ فرصت گفت‌وگو میان فرهنگ‌ها

«ترجمه در ادبیات کودک؛ نیازها و ضرورت‌ها» عنوان نشستی بود که ۲۲ اردیبهشت خسرو آقایی، حمیدرضا شاه‌آبادی، محمدرضا یوسفی و شهرام اقبال زاده را دور یک میز نشاند تا دیدگاه‌های مختلفی درباره‌ی ترجمه‌ی کودک و نوجوان مطرح شود.

در این نشست که با همکاری مرکز ساماندهی ترجمه و نشر معارف اسلامی و علوم انسانی برگزار شد، خسرو آقایی، گفت: «در گفتمان ادبیات معاصر ترجمه اهمیت فراوانی دارد چرا که فرصت گفت‌وگو میان فرهنگ‌ها را فراهم می‌کند؛ اگر از این ظرفیت ترجمه استفاده شود، ادبیات کودک ایران و جهان گام‌های مهمی در جهت پیشرفت برمی‌دارد.» آقایی با بیان اینکه برخی ترجمه و تالیف را مقابل هم قرار می‌دهند، اظهار داشت: «معتقدم به هیچ عنوان نباید ترجمه و تالیف را روبروی هم قرار داد، اصولاً ادبیات بزرگسال ایران و ادبیات کودک و نوجوان، داشته‌های خود را از ترجمه به دست آورده‌اند و قطعاً ادبیات معاصر در ایران با ترجمه آغاز شده است. از طرفی نقد ادبیات هم با ترجمه به ایران آمد و نخستین نقدها، نقدهای ترجمه بودند.» حمیدرضا شاه‌آبادی مدیر انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان نیز در پاسخ به این سوال که «به همین اندازه که دنیای غرب در گفتمان ترجمه برای ما دستاورد داشته، ما چه چیزی برای عرضه به جهان در دست داریم؟» گفت: «بی‌تردید ما آثار خوب و برجسته‌ای داریم که قابل ارائه در جهانند. امروز تقریباً تمام جشنواره‌های تصویرگری جهان به کتاب‌های ایرانی جایزه می‌دهند؛ امروز شاهد آن هستیم که ناشران خارجی برای تصویرگری کتاب‌هایشان به تصویرگران ایرانی رجوع می‌کنند، اما در حوزه‌ی ادبیات برخی محدودیت‌های زبانی سبب شده آثار ایرانی به چشم نیایند.» وی تصریح کرد: «با این وجود، ظرفیت‌های بالقوه‌ای در ادبیات کودک و نوجوان وجود دارد که با ترجمه‌ی آثار ایرانی به زبان‌های دیگر قابل تبدیل به ظرفیت‌های بالفعل‌اند.» در این نشست شاه‌آبادی، کشورهای ایران، کره‌جنوبی و ژاپن را برترین کشورها در حوزه‌ی کتاب کودک معرفی کرد و افزود: «در مجموع معدل آثار این دو کشور از ایران بالاتر است اما کارهای انفرادی و چشم‌گیر ایران برتر از این دو کشور بوده است.» شاه‌آبادی که از طرفداران پیوستن ایران به قانون کپی‌رایت است، در این باره گفت: «برای اینکه در صنعت نشر جهان حرفی برای گفتن داشته باشیم، باید قواعد این صنعت که مهمترین آن کپی‌رایت است را بپذیریم.» او اضافه کرد: «تجارت کتاب یک اتوبان دو طرفه است که باید قوانین حضور در این اتوبان را بپذیریم.» محمدرضا یوسفی نویسنده‌ی پرکار کتاب‌های کودک و نوجوان هم گفت: «قدم‌های اولیه برای عرضه آثار کودک و نوجوان ایران در سطح جهان برداشته شده اما معتقدم این قدم‌ها باید از ابتدا سنجیده برداشته شوند.» یوسفی تصریح کرد: «ناشران خصوصی و موسسات غیر انتفاعی فعالیت خود را در این حوزه به صورت محدود دنبال می‌کنند اما نهادهای دولتی باید جدی‌تر و تخصصی‌تر به عرضه آثار ایرانی در سطح جهان بپردازند.»